



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۸/۲۶

فردوس

آیا روس‌ها انتقام می‌گیرند؟

روسیه اعلام کرده است که در شروع ماه سپتمبر نشست جهانی‌ای را در مورد افغانستان برگزار می‌کند. مسکو گفته است که گروه طالبان را نیز به این نشست دعوت می‌کند. کابل و واشنگتن گفته‌اند که در نشست مسکو شرکت نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که کرملین تا هنوز نظرات کابل را جدی نگرفته است. آقای حنیف اتمر، مشاور پیشین امنیت ملی ریاست جمهوری، چندی پیش با سفیر روسیه در کابل دیدار کرد و نظرات کابل را به اطلاع او رساند. تا کنون مشخص نیست که روس‌ها به کابل به گونه صریح چه گفته‌اند، اما از موضع‌گیری‌های آنان پیدا است که نمایندگان طالبان حتماً مهمان کرملین خواهند شد. شاید عده‌ای در هیأت حاکمه روسیه بی‌میل به تکرار حوادث دهه هشتاد به نحوی دیگر نباشند. بسیاری‌ها این رفتار روس‌ها را نوعی انتقام‌گیری تعبیر می‌کنند. اگر روس‌ها از طالبان در کرملین پذیرایی کنند، ملاقات ۱۹۸۶ رهبران چریک‌های ضد شوروی با رئیس جمهور رونالد ریگان در کاخ سفید، به افکار آنانی که اوضاع را از نزدیک دنبال می‌کنند، تداعی خواهد شد.

کاخ سفید در اواخر سال ۱۹۸۶ شماری از رهبران پشاور نشین تنظیم‌های ضد شوروی را به واشنگتن دعوت کرد. برهان‌الدین ربانی و صبغت‌الله مجددی هم جزو این رهبران بودند. این دو رهبر، پس از سقوط حکومت دکتر نجیب، زمام امور را به دست گرفتند. در این ملاقات، رهبران اسلام‌گرای جهادبست ضد شوروی از ایالات متحده خواستند که راکت‌های زمین به هوا، به چریک‌های آنان بدهد تا طیارات و هلیکوپترهای جنگی روس‌ها را ساقط کنند. رهبران چریک‌های ضد شوروی به ریگان گفتند شوروی‌ها نیروی هوایی برتر دارند و این نیرو تنها با راکت‌های سنگین می‌شکند. این رهبران در واقع راکت یا جنگ‌افزار تحول‌آفرین می‌خواستند.

در سال ۱۹۸۴ دیگر تقریباً روشن شده بود که جنگ شوروی در افغانستان به بن‌بست رسیده است. ارتش سرخ و متحدان داخلی‌اش شهرهای پر جمعیت و راه‌هایی که این شهرها را به هم وصل می‌کرد در کنترل داشتند. بنابر ستراتیژیک و مناطقی که برای امنیت شهرها و شاهراه‌های مهم بود نیز توسط ارتش سرخ و متحدان داخلی‌اش کنترل می‌شد. نیروهای ضد شوروی که متشکل از چریک‌های اسلام‌گرا بودند، در روستاها حضور داشتند، اما عملیات‌های نیروهای خاص ارتش سرخ که به روش جستجو و شکار انجام می‌شد، قدرت مانور مخالفان نظامی شوروی را صدمه زده بود. آتش‌های هوایی شوروی، وضعیتی را در میدان نبرد شکل داده بود که بن‌بست به سود نیروهای شوروی و طرف‌داران داخلی‌شان تحکیم می‌شد. حفظ بن‌بست و تحکیم آن برای مسکو به خصوص پس از روی کار آمدن گرباچف اصلاح طلب بسیار پر خرج بود. گرباچف اصلاح طلب و پروژه او برای دگرگون‌سازی شوروی، بسیاری از ضعف‌ها و تضاد‌های درونی اتحاد شوروی را رو کرد، اما با آن هم ارتش سرخ بن‌بست جنگ افغانستان را با استفاده از نیروی هوایی‌اش همچنان حفظ کرده بود.

در نوامبر سال ۱۹۸۶ بین گرباچف و ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا ملاقاتی صورت گرفت. ریگان پس از آن ملاقات گفت که گرباچف صلح دوست و اصلاح طلب است. رهبران چریک‌های ضد شوروی افغانستان پس از این ملاقات به واشنگتن دعوت شدند. این رهبران پس از ملاقات با ریگان در یک نشست خبری ظاهر شدند. یکی از این رهبران گفت که گرباچف غرب را فریب می‌دهد. او گفت ارتش سرخ پس از روی کار آمدن گرباچف در جنگ افغانستان تهاجمی شده، با بی‌رحمی بیشتری عمل می‌کند و روستاها را می‌سوزاند. گرباچف فیصله کرده بود که پس از تفاهم با امریکا و قدرت‌های منطقه‌ای نیروهای شوروی را از قلمرو افغانستان بیرون می‌کند. تردیدی نیست که گرباچف و نظامیان روسی در کنار این تصمیم سیاسی فیصله کرده بودند که پس از جدی شدن دیپلماسی و رسیدن به یک توافق سیاسی، نیاز است که در میدان نبرد دست بالا داشته باشند. شاید به همین دلیل بود که عملیات‌های روس‌ها در زمان گرباچف تشدید شد.

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

رهبران تنظیم‌ها در ملاقات سال ۱۹۸۶ از واشنگتن خواستند که به آنان جنگ‌افزار ضد هوایی سنتگر بدهد، حکومت موقتی را که قرار است آنان بسازند، به رسمیت بشناسد و روابط دیپلماتیکش را با کابل قطع کند، اما رونالد ریگان در آن ملاقات هیچ یک از این خواست‌های رهبران تنظیم‌ها را نپذیرفت. او گفت که فعالیت سفارت امریکا در کابل، برای کنترل اطلاعاتی طرفداران شوروی ضروری است. در آن ملاقات رهبران تنظیم‌ها مشروعیت جهانی به دست آوردند. ایالات متحده رفته رفته خواست‌های دیگر تنظیم‌ها را نیز پذیرفت. چریک‌های ضد شوروی در اواخر سال ۱۹۸۶ و شروع سال ۱۹۸۷ به جنگ‌افزارهای پیشرفته ضد هوایی سنتگر مجهز شدند. این جنگ‌افزارها تحول‌آفرین بود. وقتی هیلیکوپترهای روسی با این جنگ‌افزارها هدف قرار گرفت، مسکو درک کرد که ضریب هزینه حفظ بن‌بست در افغانستان بسیار افزایش یافته است. شاید به همین دلیل بود که روس‌ها توافقات ژنو را بدون دریافت تضمین‌های امنیتی مشخص از طرف مقابل امضاء کردند. روس‌ها آن‌قدر در موقف ضعیف بودند که نتوانستند حیات حکومت طرفدارشان را در کابل که برای حفظ آن هزینه‌های سنگین انسانی، مالی و حیثیتی را متحمل شده بودند، بیمه کنند. کسی به روس‌ها در این مورد تضمین نداد.

تاریخ به طرز عجیبی تکرار می‌شود. این‌بار کرملین قصد دارد از نمایندگان طالبان میزبانی کند، آن هم در وضعیتی که ایالات متحده به ختم جنگ افغانستان از راه مذاکره و توافق سیاسی تعهد کرده است. نمایندگان طالبان با امریکا گفت‌وگو می‌کنند. امریکا دوباره زلمی خلیل‌زاد، دیپلمات کارکشته افغانستان‌شناس را به کار گماشته است تا پروژه ختم جنگ افغانستان از راه یک توافق سیاسی را مدیریت کند، ولی در این وضعیت حساس، روسیه طبل مخالف می‌نوازد و می‌خواهد یک روند موازی با تلاش‌های امریکا را به راه اندازد. روشن است که هدف اصلی روسیه خلق مشروعیت منطقه‌ای و تا حدودی مشروعیت جهانی برای گروه طالبان است تا ایالات متحده را بیشتر به درد سر مواجه کند.

روس‌ها بارها زیگنال داده اند که حضور درازمدت نظامی امریکا در منطقه و افغانستان را تهدیدی برای خودشان می‌دانند. آنان قبلاً تماس با طالبان و کمک به آنان را زیر نام مبارزه با داعش توجیه می‌کردند، ولی حالا دیگر روشن است که داعش خطر حتماً اندکی هم برای روسیه نیست. خلافت فیزیکی داعش نابود شده است و این گروه نمی‌تواند در افغانستان کاری علیه روسیه کند. تمام نگرانی روس‌ها امریکا است. روسیه می‌خواهد امریکا را در افغانستان با چلنج مواجه کند تا فرار را بر قرار ترجیح دهد، یا امتیاز کلان به مسکو بدهد. برای رسیدن به این هدف روس‌ها شاید به تقلید از رفتار امریکائی‌ها در سال ۱۹۸۶ تصمیم گرفته‌اند که رهبران طالبان را در کرملین میزبانی کنند، اما آیا مسکو جنگ‌افزار تحول‌آفرینی مثل سنتگر در اختیار طالبان قرار خواهد داد؟ بعید به نظر می‌رسد که حالا روسیه جنگ‌افزارهای خطرناک ضد هوایی در اختیار طالبان قرار دهد، اما در میدان دیپلوماسی، طالبان و داعیه خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان را برای امتیازگیری بیشتر از امریکا، تقویت خواهد کرد. مشکل این است که روس‌ها خواستار خروج نیروهای امریکائی می‌شوند، اما هیچ نظام امنیتی بدیلی را برای افغانستان پیشنهاد نمی‌کنند. آنان در وضعیتی که با افغانستان همسایه در به دیوار بودند، نتوانستند پس از خروج‌شان، توافق سیاسی پایداری را شکل دهند. آنان حتماً امنیت سرحدات خود را تضمین کرده نتوانستند. با سقوط حکومت نجیب جنگ به چین و داغستان گسترش یافت. سیاست کنونی روس‌ها هم در قبال افغانستان ناکام می‌ماند. طالبان یک جنبش ناسیونالیستی پیش‌رو نیست. آنان گروه اسلام‌گرای امارتی جهادپستی هستند که جنگ اسلام‌گرایان چینی و اوزبیکستانی را با روسیه مشروع می‌دانند.

پایان

با تشکر از سایت ۸صبح